

ایران

امام رضا(ع):

بعد از انجام واجبات، کاری بهتر از ایجاد خوشحالی برای مؤمن، نزد خداوند بزرگ نیست.


سخن روز

بچار اتوار، ج ۷۸

نگاره

شهادت در سجده



طراح: awnieshtaiwe

فضای مجازی

دست‌های مهربان کارمند باغ وحش

یکی از ویدئوهای وایرال شده در فضای مجازی مربوط به آب تنی یک ببر در باغ وحش وکیل آباد است. در این ویدیو که برای اولین بار در ایستا منتشر شده، یکی از کارمندان باغ وحش وکیل آباد مشاهد در حال آب تنی ببر دیده می شود. افزایش کم‌سابقه گرمای هوا در ایران، نگاه‌ها را به دست‌های مهربان این دوستدار حیوانات جلب کرده است و تعداد قابل توجهی از کاربران از مهربانی و در عین حال شجاعت این کارمند نوشته‌اند و تعدادی هم به شکل ضمنی تجهیزات باغ وحش کشورمان را با نمونه‌های مشابه خارجی مقایسه کرده‌اند.

آموزش زبان فارسی بعد از تماشای «شهرزاد»

با وجود تلاش سربال‌های ترکیه‌ای برای گسترش بازار مخاطبانشان به کشورهای همسایه هیچ تلاش تجاری برای معرفی صنعت سربال ایران در ترکیه انجام نشده است، اما برخی سربال‌های ایرانی در میان مردم ترکیه طرفدار پیدا کرده و آنها را ترغیب به تماشای آثار کشورمان کرده است. ویدئویی از کامنت مردم ترکیه برای سربال «شهرزاد» حسن فتحی در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفته است. کاربری نوشته: «این اولین سربال ایرانی است که نگاه کردم و طرفدار شهاب حسینی و سربال‌های ایرانی شدم.» کاربر دیگری نوشته: «بعد از دیدن این سربال آموزش زبان فارسی را شروع کردم و به ایران سفر کردم»، «من عاشق سینمای ایران هستم همیشه یک چیزی به من یاد می‌دهد»، «من در قسمت هشتم هستم اشک می‌ریزم و نگران هستم چگونه تمام می‌شود» و«به نظرم سینمای ایران عالی است. اگر ادبیات زبان داشت حتما فارسی بود.» و… و دیگر واکنش‌های کاربران به این سربال است.

رمزگشایی از هدیه همراه مدال‌های المپیک

یکی از حاشیه‌های جالب المپیک پاریس، هدیه عجیبی است که همراه با مدال به ورزشکاران برنده اعطا می‌شود؛ شکل و شمایل این هدیه که یک مستطیل به باریکی لامپ‌های مهتابی قدیمی است توجه مردم را به خود جلب کرده، آنچنان که در شبکه‌های اجتماعی بحث‌های زیادی درباره‌اش شکل گرفت و همه علاقه‌مند بودند که بدانند در آن چیست؛ البته این کنجکاوای با فیلمی که «پریانا تروسل»، شانکار استرالیایی و برنده مدال طلا در شνά‌ی آزاد منتشر کرد، برطرف شد. بریانا در چشم مخاطبانی بسیار، جعبه‌ای را کشفود که به همراه مدال طلا به او اهدا شده بود و آن را به دنبال‌کنندگان صفحه‌اش نشان داد. محتوای این جعبه یک هدیه فرهنگی بود؛ پوسترى کارتونی از شهر پاریس که در رأس آن برج ایفل خودنمایی می‌کند. وایرال شدن این فیلم هم واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت. یکی از کاربران درباره‌اش نوشت: «خوبه که بالاخره یگی گف‌ت در اون جعبه عجیب چیه! اما! اگر صادقانه بخواهم بگویم هدیه از این تری‌تر محاله!» دیگری نوشته: «نگرانم که فرانسوی‌ها با این هدیه گران قیمت ورشکست شوند!» دیگری هم خطاب به کامنت‌های طنزآمیز درباره این هدیه نوشته: «اینقدر مسخره نکنید. همین کادوی ساده به خاطر امضایی‌که داره اتفاقاً خیلی بارزشه و چند سال بعد با قیمت خیلی زیاد فروش میره و احتمالاً لکی خواهان هم پیدا می‌کند.»

توصیه دوستانه جواد موگویی به قهرمان کشتی

واکنش‌ها به اقدام سعید اسماعیلی، ورزشکاری که مدال طلای خود درکشتی فرنگی المپیک پاریس را به کارگران تقدیم کرده همچنان در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد. در این بین برخی پای فراتر از ابراز خوشحالی‌ها، از موقعیت‌ها اینچنینی گذاشته و از به خاطر اقدام اخیرش با عنوانی همچون «ورزشکار مردمی» و «ورزشکار حکومتی» یاد می‌کرده‌اند؛ جواد موگویی، کارگردان مستندساز هم در واکنش به اظهارنظرهایی که سعی در دوقطبی کردن فضا و تفرقه‌افکنی میان ورزشکاران دارد گلایه کرده و نوشته: «سعید اسماعیلی مدالش را به مردم خاصه کارگران تقدیم کرده اما همین را دست‌اویزی کردند برای خلق دوگانه «پهلوان مردمی» و «قهرمان حکومتی»! نوشته‌اند او برخلاف بقیه مدالش را به مردم تقدیم کرد. گویی سایر هم تیمی‌هایش زبانم لال به جانداران یا گیاهان پیشکش کرده‌اند تقدیم مدال به مردم امری پسندیده و البته عادى همه قهرمانان است. اما شما جناب اسماعیلی قهرمان ۲۱ ساله عزیز مراقب باش که برایت دام پهن کردند! او دستارپویرایت نگاهش‌اند؛ دقیق و با جزئیات. سناریوی اول: ابتدا با لقب «پهلوان مردم تو را در مقابل هم تیمی‌هایت قرار می‌دهند. بعد کافی است سخن از وضعیت بد اقتصادی یا انتقاد از معیشت مردم بکنی، بلافاصله در بی بی سی، تیترت می‌کنند. بعد بندریح تو می‌شوی پرچمدار مخالفت با حکومت و روزی نیست که لقب «تختی زمان» را خرجت نکنند. بعد با چند تماس می‌نشینند زیر‌پایت که رخت مهاجرت بر تنت کنند. یک‌بو به خود می‌آیی. می‌بینی از اردوی تیم ملی ایران رسیدی به اردوی تیم پناهندگان بعد جنجال می‌شود که قهرمان ۲۱ ساله ترک وطن کرد. از اینجا به بعد تو میشوی نماد فرار قهرمانان.» او در بخش دیگری نوشته: «اما سناریوی دوم اگر سرت به کشتی گرم باشد و به سناریوی اول آنها با ندھی. اگر مثل تمام ورزشکاران دنیا با رئیس جمهور کشور عکس بیندازی یا مدالت را تقدیم شهدای وطن کنی و خلاصه این منش را برگزینی ناگاهان ورق برمی‌گردد! می‌شوی کشتی گیر حکومت! ضد مردم! آن وقت مادام با تختی در قیاسی، لکن نور نقش مزدوری و تختی در نقش جهان پهلوانی.» او در آخر گفته: «مراقب باش که در پشت القاب پهلوان مردم در کمینت نشسته‌اند.»

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: احسان صالحی

سردبیر:

حسام‌الدین برومند

یادداشت

پایان غم‌انگیزیک المپیک!

خیر! این تیتیر مربوط به بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس یا یکی از المپیک‌های پس از انقلاب نیست، بلکه پس از پایان بازی‌های المپیک ۱۹۷۶ مونترال، تیتیروی جلد و سرمقاله یکی از معتبرترین و پرترافزترین مجلات ورزشی آن زمان ایران یعنی مجله «دنیای ورزش» بود که ماحصل آنچه در بازی‌های قوق برای ورزش ایران اتفاق افتاد را بازتاب می‌داد.

آن بازی‌ها، آخرین المپیک در دوران پیش از انقلاب بود که ایران در آن شرکت کرد اما دستاورد کاروان پر تعداد و ۸۶ نفره ایران (بزرگ‌ترین کاروان ورزشی ایران در طول تاریخ المپیک) از بازی‌های المپیک مونترال، در اوج دوران حاکمیت رژیم شاه، تنها یک مدال نقره و یک مدال برنز بود.

درحالی که قول‌های بسیاری توسط مسئولین ورزشی به خصوص سیهبد حجت (رئیس وقت سازمان تربیت بدنی) داده شده بود که گویا کاروان ایران با کسب مدال‌های بسیار در کشتی و وزنه‌برداری و دوومیدانی و واترپلو و شمشیربازی و… به کشور بازخواهد گشت؛ اما شکست سنگین همه تیم‌های یاد شده و حتی اخباری که از رفتار غیراخلاقی برخی از ورزشکاران ایرانی در المپیک مونترال پخش شد، ورای آن شکست، حیثیت ورزش مملکت را در آن دوران زیر علامت سؤال برد.

نگاهی به تیتیرهای مجلات ورزشی در آن روزها روشنگر همه ابعاد موضوع است. یکی از آن تیتیرها که روی جلد مجله «گیهان ورزشی» نقش بست، چنین بود: «در میدان ورزش شکست خوردیم، در میدان اخلاق چرا؟»، در بخشی از آن مقاله آمده بود: «جوانان ورزشکار ما در المپیک باختند. شکست‌های آنان یا از روی بی‌همتی و نداشتن تعصب و روحیه جنگندگی و دلآوری بود و یا امکانات ناقص، ضعف برنامه‌ریزی و فقدان یک اصل کلی و منطقی باعث زمین خوردن‌ها و عقب ماندن‌ها شده است. واقعیت هرچه هست، باشد که البته نباید به سادگی از کنار آن بگذریم. اگر ما در میدان مبارزات ورزشی شکست خوردیم، نمی‌بایست در میدان اخلاق و انضباط هم مغلوب شویم.» این دستاورد شرم‌آور، به‌رغم همه ادعاها و هزینه‌ها و

برنامه‌های تبلیغاتی متعددی بود که ارکان مختلف رژیم گذشته پای آن ایستاده بودند و در واقع حاصل همه آن روزگار به حساب می‌آمد. در آن کاروان عریض و طویل ورزشی، تنها ۴ زن از تیم شمشیربازی شرکت داشتند که به رتبه‌های بسیار پایین رسیدند! اما تیتیر مقالات دیگر درباره نتایج ایران از المپیک مونترال چنین بود: «در مونترال از خواب بازی‌های آسیایی بیدار شدیم»، «هیچ کس مقصر نیست، گناه ما در ندانستن است»، «گناه از مسئولان است»، «قبل از رفتن رکورد شکستند، بعد از بازگشت قلب‌ها را.» گویی از اینکه در اوج سردادن شعارهای تمدن بزرگ و رسیدن به آستانه دروازه‌های آن، این گونه ورزش دوران شاهنشاهی مفتضح شده بود، همه سرسام گرفته بودند. در یکی دیگر از آن مقالات آمده بود: «بازی‌های المپیک را پشت سر گذاشتیم با یک نقره و یک برنز و یک دنیا اندوه و تأسف به خاطر نتایجی که آسان باختند. به جدول رده‌بندی نگاه کنید، ما ۹ تیم به المپیک بردیم که در ۶ رشته آن قهرمان آسیا بودیم اما در المپیک از آسیایی‌ها هم عقب ماندیم. در کشتی آزاد یک نقره گرفتیم و در رده‌بندی تیمی از مغولستان هم عقب ماندیم. نگاهی به پشت سر بیندازید! اولین بازی که در المپیک شرکت کردیم یعنی ۲۸ سال پیش یک برنز گرفتیم و حالا یک نقره و یک برنز!» البته وضعیت در المپیک قبلی ایش یعنی بازی‌های ۱۹۷۲ مونیخ نیز بهتر از این نبود و دستاورد ایران از آن المپیک هم تنها دو مدال نقره و یک مدال برنز بود.

المپیک‌های بعد از انقلاب

در سال‌های پس از انقلاب، المپیک ۲۰۱۲ لندن و کسب سیزده مدال (هفت طلا و پنج نقره و یک برنز) و به دست آوردن مقام دوازدهم دنیا، درخشان‌ترین حضور ایران

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نامبر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۵۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵



در این بازی‌ها بود و امسال در المپیک پاریس، اگرچه دستاورد ورزشکاران ایرانی به لحاظ مرغوبیت و تعداد مدال‌ها، پس از المپیک لندن، در تاریخ ورزش این کشور، رده دوم را کسب کرد اما از جهت ثبت رکوردها و دستاوردها به مراتب جدیدتر و بالاتری دست یافتیم.

برای اولین بار حدود ۲۷ درصد از کاروان جمع و جور ورزشی ایران (۴۰ نفر) را زنان تشکیل می‌دادند که دو نفر از آنها مدال به دست آوردند برای اولین بار دختر ورزشکار ایرانی در فینال المپیک حضور یافت و به مدال نقره دست یافت. برای اولین بار زمیناست ایرانی، مهدی الفتی توانست در فینال المپیک حضور یافته و مقام کسب نماید. برای اولین بار رضا علیپور در رشته سنگ‌نوردی در فینال این رشته حاضر شد و بی‌همتی و نداشتن تعصب و ثابته، مدال را از دست داد و به مقام چهارم رسید، برای اولین بار در رشته شمشیربازی، تیم شمشیربازی سایر مردان ایران به مقام چهارم المپیک رسید، برای اولین نقره دوستان ما در رشته شمشیربازی، تیم شمشیربازی سایر مقام ششم بازی‌های المپیک دست یافت، برای اولین بار دوچرخه سوار جاده‌ای ایران توانست از خط پایان بگذرد و رکورد جدیدی برای ایران بر جای بگذارد.

کاپ اخلاق از آن ایران بود

در زمینه اخلاقی هم با رفتارهای جوانمردانه‌ای از ورزشکاران ایرانی مواجه شدیم؛ از همراهی کشتی‌گیر ایرانی تیم آذربایجان در آیین خداحافظی اش و در غیبت مربیان و دوستان او که توسط امین میرزاده (رقیب و برنده مسابقه) و مربی تیم ایران انجام شد تا به میدان فینال رفتن حسن یزدانی با کتف در رفته و تحمل چندین بار جانداختن آن کتف برای ادامه مسابقه، و تا صبورى‌ها و خودداری‌های امیر حسین زارع در مقابل رفتار ناجوانمردانه کشتی‌گیر گرجستانی و تا دست حریف را بالا بردن در هر مسابقه‌ای که آرن سلیمی با اقتدار برنده شد و تا… تیم ایران در این مسابقات در ردیف بیست و یکم قرار گرفت (تقریباً در مرز بیست کشور اول جهان) و در ردیف کشورهایمانند برزیل با آن همه وسعت و جمعیت و امکانات و سابقه ورزشی و بالاتر از کشورهای همچون بلژیک و دانمارک و کرواسی و کوپا و اتریش و لهستان و سوئیس و پرتغال و آرژانتین و یونان و مصر و ترکیه و هند و… این در حالی است که کشور ما بیش از چهل سال است در معرض تحریم‌های شدید و به قول خود غربی‌ها فلج‌کننده قرار دارد و حجم عظیمی از نیرو و پول و طراحی و… طی این سال‌ها برای اضمحلال ایران و جامعه ایرانی از سوی همان کشورهای غربی به کار گرفته شده است. یعنی ورزشکاران ما با کمترین امکانات و بیشترین محدودیت‌ها، در مرز بیست کشور اول جهان قرار گرفته‌اند؛ رتبه‌ای که با دو مدال طلای در دسترس دیگر (حسن یزدانی و امیرحسین زارع) که به نایح از ما در رخ شد، به راحتی به ردیف پانزدهم دنیا می‌رسید و ایران را حتی بالاتر از امثال سوئد و نروژ و اسپانیا قرار می‌داد.



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید



یادداشت

پیشنهادهای خواندنی به مناسبت روز مقاومت اسلامی

«لحظه‌های غزه‌ای» اثر یوسف القدره حاصل نوشته‌های دو نفر است: یوسف القدره، شاعری ساکن خان‌یونس در باریکه غزه که با زاویه‌نگاهی بیاز به تماشای رویدادهای اطرافش نشستّه و آنها را به همراه تجربیات شخصی خود برای خواننده باز گفته است. نفر دوم یک شاعره فلسطینی‌ال‌اصل مقیم بلژیک به نام فاتنه الغره است. او که برای دیدن خانواده و برادرانش به غزه رفته بود، با شروع حمله زمینی اسرائیل به غزه در آنجا گرفتار شد و تا دو ماه بعد که موفق شد مجوز رفتن به مصر و سپس بلژیک را بگیرد، ۶ یادداشت از مجموعه یادداشت‌های این کتاب را نوشت.

«خبرنگار غیراعزامی» نوشته سجاد محقق است. جمیل‌ال‌شیخ فعال رسانه‌ای و تنها خبرنگار حاضر در سه سال و نیم حصر شهرک‌های شیعه‌نشین قوعه و کفریا بود که در کتاب خبرنگار غیراعزامی خاطراتش را می‌خوانیم؛ خاطراتی که حاصل ۵۶ ساعت گفت‌وگو با اوست و از روزهای کودکی جمیل شروع می‌شود. مؤلف کتاب «خبرنگار غیراعزامی» با زبانی روان به روایت شنیده‌هایش از خاطرات جمیل‌ال‌شیخ پرداخته است؛ خاطراتی پر جزئیات، جذاب و در عین حال گاهی تلخ که در نهایت خواننده را همراه خود می‌کشاند.

«محاصره ساراویو»؛ این کتاب خاطرات گاوّه ذاکری از جنگ بوسنی و هرزگوین است. ذاکری که مدرس تخریب و انفجار بوده در بوسنی، نظامیان و داوطلبان مردمی را با شیوه خشنی کردن مین‌ها و تله‌های انفجاری آشنا می‌کرده است. او در کنار این آموزش‌ها به کمک‌رسانی و توزیع اقلام ضروری زندگی در میان مردم جنگزده بوسنی هم می‌پرداخته است.

کتاب محاصره ساراویو سرشار از رویدادهای تلخ و شیرین است و صداقت و صمیمیت و مردمی بودن نویسنده باعث می‌شود کتاب شیرین و لذت‌بخش و عبرت‌آموز باشد.

«حقیقت سمیر»؛ هنگامی که قرار شد یعقوب توکلی نویسنده‌ای این کتاب با آقای سمیر سالی قطار درباره سرگذشت ۳۰ سال زندان او در اسرائیل به‌گفت‌وگو بنشیند هم سمیرقطار و هم بقیه دوستانش تصور بیندازد، اما در واقع این کتاب فوتبالیست‌ها


تولد در
سرزمین
مارادونا شاید
ما را به یاد
فوتبال و
فوتبالیست‌ها
بیندازد، اما در
واقع این کتاب
خاطرات یک
هنرپیشه‌تئاتر
است که در
آرژانتین متولد
شده

صبح شام- حاصل گردآوری‌های محمدمحسن مصحفی، علی اصغر محمدی و سعید فرخزاده مجموعه‌ای از خاطرات حسین امیرعبداللهیان از جنگ ترورستی سوریه را روایت کرده است. ابتکار تدوین این خاطرات به توصیه حاج قاسم سلیمانی بازمی‌گردد که یک سال قبل از شهادت به حسین امیرعبداللهیان تأکید کرد برای انتقال پیام رشادت‌ها، شهادت‌ها، شجاعت‌ها و حتی جنایات و خیانت‌ها در سوریه و منطقه غرب آسیا، بخشی از خاطرات خود را مکتوب کند. «تولد در سرزمین مارادونا»؛ اسم این کتاب شاید ما را به یاد فوتبال و فوتبالیست‌ها بیندازد، اما در واقع این کتاب با قلم مهربی‌ال‌سادات مرک‌نرّزاد خاطرات یک هنرپیشه تئاتر است که در آرژانتین متولد شده. این فرد چیز چندانی از اسلام نمی‌دانسته و طبیعتاً چندان در قید و بند دین و احکام دینی هم نبوده است . حالا اما او یک مبلغ مشهور دینی است که ما به اسم سهیل اسعد می‌شناسیمش . این کتاب خاطرات اوست که از آرژانتین شروع شده تا لبنان و بعدها ایران ادامه پیدا کرده است.



حضور کودکان در حرم و بازیگوشی آنها، حس زندگی و پویایی موجود را دوچندان می‌کند. کودکان در حال دویدن و بازی کردن، در حالی که والدینشان در حال دعا و نیایش هستند؛ این تضاد بین بازی و عبادت، تصویری زیبا از زندگی را به نمایش می‌گذارد؛ جایی که نسل‌های مختلف در کنار هم قرار می‌گیرند و از آرامش و معنویت حرم مطهر امام رضا(ع) بهره‌مند می‌شوند.

عکس:
گنبر رضایی/مهتر